

# زبان بی‌زبانان

به نام خدا

دکتر عبدالحسین زرین‌کوب

در واقع، زبان مثنوی از تعداد زیادی لغات و اصطلاحات صوفیه مشحون است و این امری است که محتویات مثنوی آن را الزام و توجیه می‌کند. چرا که مثنوی نه فقط عهده‌دار تبیین حقایق و اسرار تعلیم صوفیه و در عین حال تفسیر رموز تصوف عملی است، بلکه مباحث و اشارات نظری را هم مخصوصاً به خاطر جنبهٔ عملی آنها در نظر دارد و البته استغراق ذهن‌گوینده درین معانی استعمال این اصطلاحات را هر چند فهم آنها برای مخاطب ناآشنا خالی از صعوبت نباشد توجیه می‌کند. خاصه که در مجلس نظم مثنوی، مخاطب کلام وی اکثر کسانی بوده‌اند که هم با این‌گونه معانی آشنا بوده‌اند و هم در فهم دقایق آنها از گوینده ارشاد و هدایت می‌طلبیده‌اند. با آن که اکثر این‌گونه تعبیرات قبل از مولانا هم در بین صوفیه رایج بوده است، بسیاری از آنها را مولانا در معنی خاص یا تازه‌یی به کار برده است و اکثر آنها از طریق زبان مثنوی در نزد متأخران صوفی رواج یافته است. به همین سبب، این‌گونه الفاظ جزو عناصر زبان مثنوی محسوبند و هر چند مولانا جلال‌الدین برخی از آنها را شاید بیش از یک دوبار هم در تعبیر نمی‌آورد، طرز استعمال وی نشان می‌دهد که آنها را به هر حال در نوعی معنی اصطلاحی در نظر دارد و اصطلاحات و تعبیرات ذیل از این‌گونه است که در مثنوی نظایر دیگر هم دارد.

۱. ابدال: جمع بَدَل که در فارسی گاه در معنی مفرد به کار می‌رود و در این صورت آن را بر شکل ابدالان جمع می‌بندند. ابدال نزد صوفیه معدودی از مردان حق محسوبند که حقیقت حال آنها از خلق مستورست، اما چون قوام عالم به وجود آنهاست هر گاه یک تن از آنها بمیرد دیگری بدل او گردد، یا چون یکی از آنها جایی سفر نماید بدل خویش به جای خود رها کند. در اقوال صوفیه در باب تعداد آنها خلاف است. چنان‌که هجویری شماره آنها را چهل تن و ابوطالب مکی

سیصد تن یاد کرده‌اند. ابن عربی آنها را هفت تن می‌داند که هر یک بر اقلیمی از اقالیم سبع نظارت دارند و هر کدام بر قدم یکتن از انبیاء هستند: ابراهیم، موسی، هارون ادريس، یوسف، عیسی و آدم. در سنن، صوفیه، یکجا تعداد آنها در شام چهل تن و در حدیث دیگر در تمام امت محمدی سی تن معدود شده است.

۱/۲۶۸]	کم کسی ز <b>اَبْدَالِ</b> حَقّ آگاه شد	جمله عالم زین سبب گمراه شد
/۱۴۴۲]	تا بداند او مقام و حال را	وز نوازش‌هایِ حق، <b>اَبْدال</b> را
/۱۶۸۵]	دست او را تو چرا کردی جدا؟	این فُلان شیخ است از <b>اَبْدالِ</b> خدا